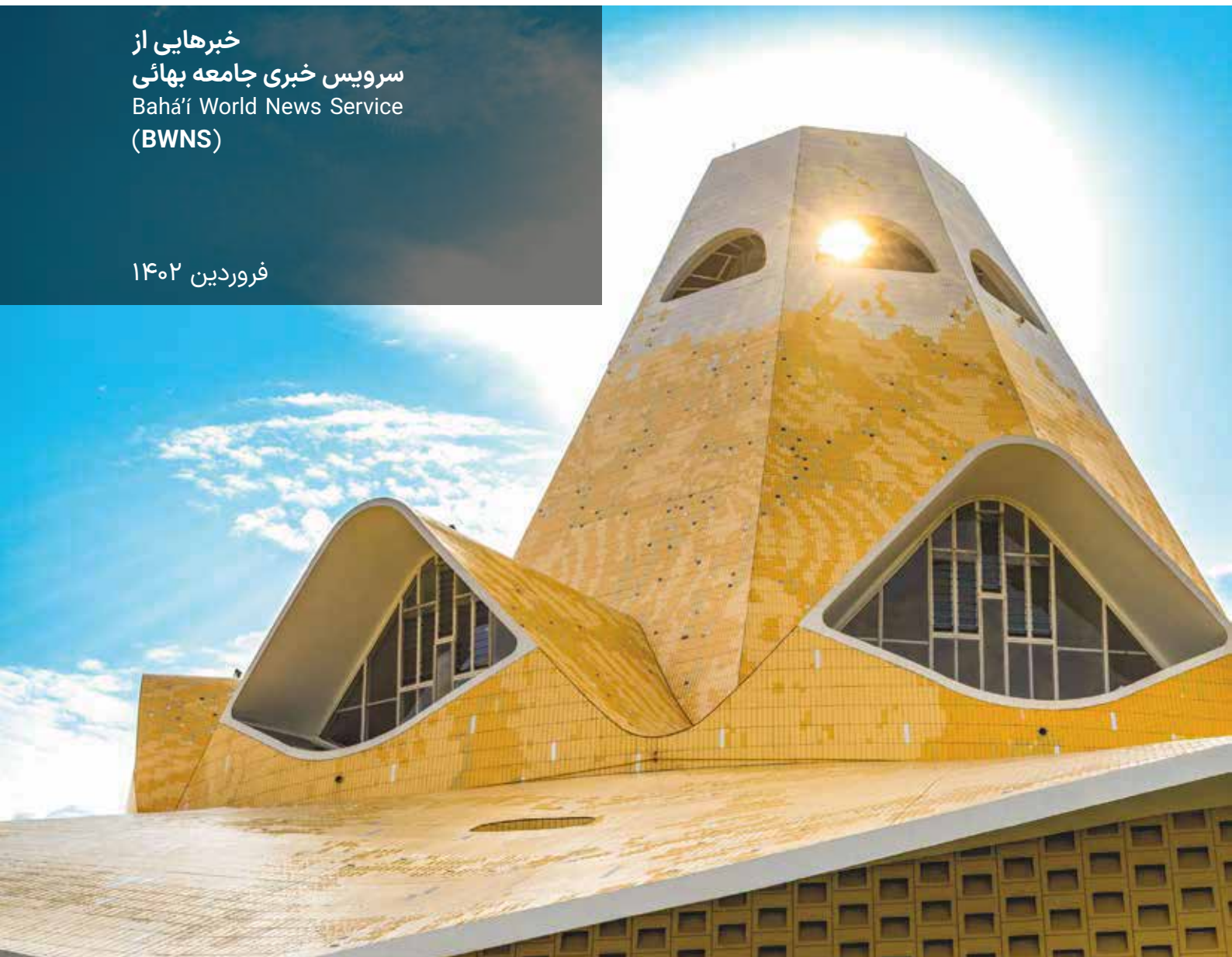


فروردین ۱۴۰۲



«تلاشی مشارکتی و هنرمندانه»: تاملات طراح معبد بهائی جمهوری دموکراتیک کنگو

۳ فروردین ۱۴۰۲

کینشاسا، جمهوری دموکراتیک کنگو - تنها چند روز پیش از افتتاح معبد بهائی در جمهوری دموکراتیک کنگو، هنریش ولف طراحی از شرکت معماران ولف - شرکتی در آفریقای جنوبی که طراحی این معبد را بر عهده داشته - بر تأثیرات شخصی و تحول بخشی که کار بر این پروژه به همراه داشته صحبت می‌کند.

این پروژه برای آقای ولف معنای خاصی دارد. او توضیح می‌دهد که به واسطه همکاری‌اش با این معبد با مفاهیمی از آموزه‌های بهائی آشنا شده که بسیار به دیدگاه‌های او نزدیک است و در نهایت در طراحی معبد الهام‌بخش بوده‌اند.

کار با روحیه خدمت

او می‌افزاید: «در جمهوری دموکراتیک کنگو باران‌های شدید بسیار رایج است و در طراحی معبد این خصیصه در نظر گرفته شده است. ما از عناصری استفاده کرده‌ایم که از باران استقبال و زیبایی آن را چندبرابر کنند»، از جمله لبه گنبد که حالت آبشاری دارد و فضای زیر آن. «آغوش این بنا به روی باران‌های جمهوری دموکراتیک کنگو باز است.»

بارانی که آقای ولف به آن اشاره می‌کند به زیبایی در نقاشی‌ای با عنوان «باران سیل‌آسا» دیده می‌شود. در این نقاشی مردمی در باران شدید به سمت معبد می‌آیند. در این طرح، ساختمان با باران درآمیخته و پیوند میان طبیعت، معنویت و تجربه انسانی مورد تاکید است.



معبد در میان باران شدید پناهگاه و شاهی بر تلاش‌های جمعی و تعهدی است که صرف ساخت این بنا شده است. خود این نقاشی حاصل همکاری میان جامعه محلی، تیم آقای ولف و یک هنرمند است. «ما برای ترسیم این نقاشی با هنرمندی به نام مایا مارکس همکاری کردیم.»

او می‌افزاید: «ما نسخه‌های متفاوتی از این نقاشی را تهیه کردیم و در میان جامعه بهائی جمهوری دموکراتیک کنگو توزیع کردیم و از آنها خواستیم هر کدام بگویند که چه معنایی از این نقاشی برداشت می‌کنند.»

این رویکرد شمول‌گرا اجازه داد طیف وسیعی از نظرات از منابع مختلف به دست ما برسد. آقای ولف می‌گوید معبد بهائی در جمهوری دموکراتیک کنگو «در اصل تلاشی هنری مبتنی بر همکاری میان گروه وسیعی از مردم است.»

این همکاری بازتابی از سنت‌های هنری گروهی است که در پارچه‌بافی کنگو که در آن زنان و مردان دوشادوش هم کار می‌کنند دیده می‌شود. آقای ولف و تیمش از این ایده استقبال کردند و این روحیه همکاری در کاشی‌کاری‌های بیرون معبد دیده می‌شود، جایی که ۱۳۵ هزار کاشی به نحوی کنار هم قرار گرفته‌اند که یادآور هنرهای پارچه‌ای جمهوری دموکراتیک کنگو هستند.

داستان آقای ولف در طراحی و ساخت این معبد داستان فوق‌العاده‌ای از تاب‌آوری و تعهد است. زمانی که شرکت آقای ولف این پروژه را بر عهده گرفت او در حال مبارزه با بیماری سرطان بود. «آنچه برایم شگفت‌آور بود حس ناامیدی‌ای بود که همه نزدیکانم را در برگرفته بود، این حس که در نهایت بدبختی ناگزیری به زندگی‌ام پا گذاشته بود.»

او می‌گوید: «زمانی که متوجه شدیم ممکن است امیدی به درمان باشد همان وقتی بود که پروژه معبد مثل دعوتنامه‌ای به دستم رسید.»

آقای ولف توضیح می‌دهد که یکی از مفاهیم موجود در آموزه‌های بهائی – این دیدگاه که کاری که با روحیه خدمت انجام شود، عبادت است – به شدت او را تحت تاثیر قرار داد.

«این ایده که وقف تلاش‌های کاریات برای دیگران به رابطه بنده و خدا تشبیه شود ایده بسیار زیبایی است و یک سبک زندگی سراسر بخشندگی است.»

او افزود: «احساس کردم فوق‌العاده خواهد بود که شانه به شانه کسانی کار کنم که برای کار کردن با نیت خدمت ارزش قائل هستند حتی اگر هیچ وقت کسانی را که از ثمره کار ما بهره‌مند می‌شوند از نزدیک ملاقات نکنیم. در آن زمان آماده بودم تا هر چه از عمرم باقی مانده بود صرف این پروژه کنم.»

همزمان با پیشرفت پروژه، روند درمان آقای ولف نیز درست قبل از شروع همه‌گیری جهانی کرونا به خوبی به پایان رسید. «از بیمارستان بیرون آمدم و ناگهان جهان تعطیل شده بود و همه چیز به شدت عجیب بود.»

او با توضیح این که بیشتر کار طراحی از طریق ویدئو کنفرانس در طی دوران نقاهت او انجام شد می‌گوید: «از این جهت این پروژه در فضایی روایی خلق شد چون ما به شرکت نمی‌رفتیم.»

او می‌گوید: «کار کردن روی این پروژه واقعا لذت‌بخش بود. به شما اطمینان می‌دهم این پروژه سخت یا خسته کننده نبود بلکه فوق‌العاده لذت‌بخش بود.»

آقای ولف علاوه بر داستان شخصی‌اش بر اهمیت تلاش جمعی برای طراحی و ساخت معبد تاکید می‌کند. او از تعهد تیم شرکتش، تیم ساخت، تیم مدیریت پروژه و جامعه بهائی جمهوری دموکراتیک کنگو به دلیل همکاری هایشان برای موفقیت پروژه تقدیر می‌کند.

اقدامی مشارکتی

آقای ولف توضیح می‌دهد که عناصر و طراحی کلی معبد بهائی مبتنی بر ایده‌ی بهم پیوستن افراد است. برای مثال، کاشی‌های گنبد از رودخانه کنگو الهام می‌گیرد که انشعاباتش باران را از سراسر کشور جمع می‌کند و به یک رود بزرگ می‌رساند. او به این بیان از حضرت عبداله‌اء اشاره می‌کند: «این چه موهبتیست که کل چون سیول و انهار و جداول و سواقی و قطرات در یک صقع واحد جمع گردد بحر عظیمی تشکیل گردد.»

آقای ولف اشاره می‌کند که «آثار بهائی دریافت مواهب الهی را همچون بارانی می‌داند که همه را یکسان سیراب می‌کند.»

آقای ولف در مورد اهمیت همکاری در معماری می‌گوید: «یک طراح نباید خودش محور داستان‌های ساختمان‌ها باشد.» وی اضافه می‌کند که مشورت و گفتگو برای این پروژه حیاتی بودند. «تصمیماتی که جمعی گرفته شوند حاوی خرد جمعی هستند.»



لحظه مهم تاریخی

آقای ولف از تاثیر عمیقی که فرآیند طراحی و ساخت بر همه شرکت‌کنندگان داشته صحبت می‌کند: «ساخت چنین بنایی لحظه مهمی است که مردم را دور هم جمع می‌کند.»

تاثیری که دست‌اندرکاران این پروژه گرفتند به اصول زیربنایی معبد بهائی مربوط است از جمله یگانگی نوع انسان. او توضیح می‌دهد که طراحی معابد بهائی برخلاف سایر ساختمان‌ها یک نفر یا یک گروه را بر دیگران برتری نمی‌دهد. بلکه معابد بهائی بر برابری تاکید دارند و بناهایی هستند که برای همه ساخته شده‌اند و فضایی برای وحدت و تامل فراهم می‌کنند.

آقای ولف می‌گوید: «در بسیاری از بناها سلسله مراتب قدرت مهم است. در معماری معمولا برخی افراد جایگاه بالاتری دارند و به ندرت ساختمان‌هایی پیدا می‌شوند که تأکیدشان بر برابری باشد.»

آقای ولف می‌گوید این معبد نمادی از اصل بهائی وحدت، برابری و تصمیم‌گیری جمعی است در عین حال که عناصر طبیعی و فرهنگ کنگو را نیز در بر می‌گیرد. این معبد نه تنها فضایی برای تعمق و معنویت است بلکه نماد تعهد، تلاش و تجربه مشترک میان دست‌اندرکاران ساخت آن نیز هست.

آقای ولف توضیح می‌دهد که فرآیند ساخت معبد تجربه‌ای منحصربفرد میان دست‌اندرکاران معبد است که آن را به تجربه ای «فراموش‌نشدنی و تاریخی» تبدیل کرده است.

او می‌افزاید که همکاری خود او با این پروژه دورانی فراموش‌نشدنی در زندگی‌اش است: «این که امروز به طور کامل از سرطان بهبود پیدا کرده‌ام و می‌توانم نتیجه تلاشمان را ببینم از شیرین‌ترین لحظات زندگی‌ام است. از شادی در پوست خودم نمی‌گنجم.»

وقتی که این معبد روز شنبه دره‌ایش را باز کند مردمی از اقصای مختلف را دعوت می‌کند تا با وحدت گرد هم بیایند و انسانیت مشترکشان را جشن بگیرند.





معبد جمهوری دموکراتیک کنگو: شور و اشتیاق روز قبل از افتتاح معبد موج می‌زند

۴ فروردین ۱۴۰۲

کینشاسا، جمهوری دموکراتیک کنگو- شور و اشتیاق برای افتتاح معبد بهائی ملی در صبح شنبه ۲۵ مارس (۵ فروردین) به اوج خود رسیده است. بیش از دو هزار مهمان از سراسر کشور قرار است در مراسم افتتاح این معبد شرکت کنند. این مراسم به وقت محلی ساعت ۱۰ صبح (۹ صبح به وقت گرینویچ) آغاز خواهد شد. افتتاح این معبد به عنوان اولین معبد ملی در عالم بهائی آغاز مرحله مهم تاریخی است. در هفته گذشته عده زیادی برای کمک به تدارکات مراسم فردا خود را به محل معبد رسانده‌اند. برخی از آن‌ها برای ده روز یا بیشتر در راه بوده‌اند. ونسا ماسنگو از جمله افرادی که برای برنامه فردا خود را زودتر به محل معبد رسانده می‌گوید: «از هر قبیله، دین یا پیشینه‌ای که باشیم در این معبد گرد هم خواهیم آمد. این به همه به خصوص به جوانان اجتماعان نشان خواهد داد که ما متحد هستیم و اینجا هیچ مانعی میان ما وجود ندارد.» او اضافه می‌کند: «این معبد به روی همه باز است.»

جمهوری دموکراتیک کنگو: بازگشایی نخستین معبد ملی بهائی

۵ فروردین ۱۴۰۲

کینشاسا، جمهوری دموکراتیک کنگو - بیش از ۲۰۰۰ نفر از سراسر جمهوری دموکراتیک کنگو و مهمانان ویژه از کشورهای دیگر روز شنبه ۲۵ مارس (۵ فروردین) برای مراسم افتتاحیه نخستین معبد ملی بهائی در کینشاسا گرد هم آمدند. ملانی بانگالا (Melanie Bangala)، از اعضای هیئت مشاورین قاره‌ای آفریقا که به نمایندگی از بیت العدل اعظم در این برنامه حضور داشت سخنانی ایراد کرد. خانم بانگالا پیامی از بیت العدل اعظم خطاب به گردهمایی را خواند که در آن آمده بود: «معبد ساخته شده در این کلان شهر کنگویی به عبادت الهی و خدمت به بشریت اختصاص داده شده است، دو امری که هر دوبرای احیای جهان ضرورت دارند.»

این مراسم که روز یکشنبه ۲۶ مارس (۶ فروردین) نیز ادامه دارد، مقامات دولتی، رهبران قبائل، رهبران دینی، اعضای مؤسسات بهائی و بسیاری از مردم دیگر از سراسر این کشور پهناور را گرد هم آورد.

لاووازیه موتومبو شیونگو (Lavoisier Mutombo Tshiongo)، منشی محفل روحانی ملی کنگو در سخنانی خود در آغاز این مراسم این گردهمایی را جلوه‌ای از «اصل وحدت در کثرت با حضور گروه‌های اتنیک و قبایل مختلف» توصیف کرد. جاستین کاموانیا (Justin Kamwanya) یکی دیگر از اعضای محفل ملی نیز در این برنامه سخنانی ارائه کرد: «این معبد را نمی‌توان یک ساختمان معمولی یا عبادتگاه به آن معنایی که ما به آن عادت کرده‌ایم در نظر گرفت. این یک ساختمان خاص است که امکانات معنوی خاصی به همراه دارد.»

«معبد بهائی به عنوان محلی که سرشار از نیروی روحانی است جلوه‌ای از اراده عمومی و اشتیاقی شدید برای خدمت به بشریت است.»



در این گردهمایی چندین گروه سرود از مناطق مختلف جمهوری دموکراتیک کنگو حضور داشتند که بیش از سه ماه برای اجراء این برنامه ویژه تمرین کرده بودند. در طی یک برنامه دعا و نیایش در داخل معبد، سخنان حضرت بهاءالله به دو زبان لینگالا و فرانسوی طنین‌انداز شد.

نکولو تومن توتو (Nkulu Tomene Tutu)، یکی دیگر از اعضای محفل ملی در مورد این رویداد و آینده معبد می‌گوید: «کشور ما بیش از ۴۵۰ گروه اتنیک دارد و اینجا مکانی است که آنها می‌توانند در کنار هم قرار بگیرند و زیبایی تنوع خود و انسانیت مشترک‌شان را تجلیل کنند.»

مادلین لوچاکا فاندی (Madeleine Lutchaka Fundi)، یکی از ساکنان و شرکت‌کنندگان در این مراسم با ابراز احساسات مشابهی گفت: «این معبد مرکزی است که قرار است قلب‌ها را به خالقشان متصل کند.»

«روح جنسیت ندارد، روح قبیله ندارد، روح سن ندارد، روح رتبه اجتماعی ندارد. همه روح دارند. همین ویژگی اصلی این بنا است: جهان‌شمول بودن. ما معتقدیم که روح انسانی جهان را روشن خواهد کرد. در واقع این مشعلی است برای از بین بردن تاریکی همه تعصبات.»



در این مراسم فیلمی با عنوان «پاسخی فوق‌العاده: طلوع دیانت بهائی در جمهوری دموکراتیک کنگو» به نمایش در آمد که سیر رشد و تکامل تلاش‌های بهائیان این کشور را برای مشارکت در پیشرفت مادی و معنوی اجتماع خود به تصویر کشید.

این فیلم را می‌توانید از طریق وبسایت سرویس خبری جامعه بهائی ببینید.





جمهوری دموکراتیک کنگو: آغوش باز معبد بهائی به روی همگان

۸ فروردین ۱۴۰۲

کینشاسا، جمهوری دموکراتیک کنگو- مراسم افتتاح معبد بهائی که روز شنبه ۲۵ مارس (۵ فروردین) در کینشاسا، در جمهوری دموکراتیک کنگو برگزار شد حال به پایان رسیده است. این مراسم روسای قبایل، رهبران دینی، اعضای موسسات بهائی و بسیاری دیگر را از سراسر کشور گرد هم آورده است. در روزهای گذشته بیش از دو هزار نفر از طریق برنامه‌های هنری و سخنرانی‌ها مختلف با بینش وحدت‌بخش معبد بهائی آشنا شده‌اند. در روز آخر این مراسم، آگاتا گیس-نکتیش و آلن پیر دیولده، مشاورین قاره‌ای به نیابت از مشاورین قاره‌ای آفریقا سخنرانی کردند و بر تاب‌آوری الهام‌بخش جامعه در مسیر ساخت معبد تاکید کردند.

آن‌ها در صحبت‌هایشان رسالت جاودانه معبد بهائی را مشابه خصوصیات دانستند که برای ساخت و تکمیل معبد لازم بوده است: ترویج صلح در میان پریشان‌حالی، تعهد تزلزل‌ناپذیر به خدمت و تعهد نسبت به بهروزی هموطنان. آقای دیولده و خانم گیس-نکتیش به زبان فرانسوی و انگلیسی گفتند: «با وجود جنگ و ظلم و ستم‌های مختلفی که سرزمین شما را گرفتار کرده است، همگان از مشاهده همت و تاب‌آوری تزلزل‌ناپذیر مردم شما به شگفت آمده‌اند.» اکنون درهای این معبد به روی عموم مردم از پیشینه‌ها و اقشار مختلف باز است

برای مطالعه خبرها و دیدن عکس‌ها و ویدئوهای مربوط به آن‌ها از آدرس‌های زیر استفاده کنید:

<https://news.persian-bahai.org>

اینستاگرام:

@bwnspersian



ستم در زندگی و آزار و اذیت در مرگ: بهائیان از دفن آبرومندان در قبرستان خود منع شدند

بیانیه جامعه جهانی بهائی - ۳ آوریل

در روزهای اخیر اقدامی بی‌رحمانه و شنیع توسط مقامات ایرانی در تهران صورت گرفت. در تاریخ ۳۰ مارس یک بهائی متوفی بدون اطلاع خانواده و بدون مراعات آداب کفن و دفن بهائی توسط یکی از مأموران وزارت اطلاعات در آرامستان خاوران در حوالی تهران به خاک سپرده شد.

این مأمور از خانواده متوفی خواسته بود که برای دفن در زمین‌هایی که تا پیش از این در مالکیت و مدیریت جامعه بهائی بود، هزینه گزافی بپردازند. او خانواده را تهدید کرده بود که عدم برآورده کردن خواسته‌هایش منجر به دفن متوفی در محلی در مجاورت قبرستان بهائیان خواهد شد که قبلاً توسط دولت برای دفن زندانیان سیاسی اعدامی استفاده شده است.

آخرین خبرها در روزهای گذشته حاکی از آن است که همان مأمور اطلاعات، خانواده متوفی دیگری را تهدید کرده که در صورت امتناع از پرداخت هزینه درخواستی، این متوفی را نیز به همان شکل دفن خواهند کرد.

سیمین فهندژ، نماینده جامعه جهانی بهائی (BIC) در سازمان ملل گفت: «مگر پیکر بی‌جان چه تهدیدی برای حکومت ایران است که توجیه‌گر این ظلم بر بهائیان باشد که حتی بعد از آزار و سرکوب بی‌وقفه که در زندگی به آنها تحمیل می‌شود پس از مرگشان نیز این بی‌رحمی و بی‌عدالتی ادامه دارد؟»

آرامستان قبلی بهائیان تهران، محوطه‌ای زیبا به مساحت حدود ۸۰۰۰۰ متر مربع که قبل از انقلاب اسلامی سال ۱۹۷۹ ساخته شده بود، در سال ۱۹۸۰ مصادره شد. بعد از آن معاون شهرداری تهران قطعه زمین کوچک‌تر و بایری را در مجاورت محل گور دسته‌جمعی خاوران در اختیار جامعه بهائی گذاشت.

اکنون از بهائیان برای دفن مردگان خود در آرامستانی که متعلق به خودشان است هزینه‌های گزافی درخواست می‌شود و آنان از حق تدفین بر اساس آداب بهائی محروم می‌شوند. کارکنان آرامستان بهائی دستگیر و حتی اعضای خانواده داغدار نیز به دستگیری و زندان تهدید شده‌اند.

شمار بسیاری از آرامستان‌های بهائی در سراسر ایران طی ۴۰ سال گذشته مصادره یا هتک حرمت شده‌اند. خانم فهندژ افزود «بهائیان بیش از چهار دهه است که با مشکلات کفن و دفن مواجه بوده‌اند، اما اکنون این اقدام هم بر غم و اندوه بهائینی که اعضای خانواده‌شان بدون آداب و رسوم دفن می‌شوند افزوده و هم خانواده‌هایی را که عزیزان‌شان از قبل در آن قطعه زمین دفن شده‌اند آزرده می‌سازد. این شرایط بسیار بی‌رحمانه است.»

دو سال پیش، به عنوان بخشی از کارزار سیستماتیک ۴۳ ساله برای آزار و اذیت بهائیان، مقامات ایران از استفاده بهائیان از قسمتی از قبرستان خاوران که متعلق به خود آنان بود ممانعت کرده و از بهائیان خواستند از زمین مجاوری استفاده کنند که قبلاً به عنوان گور دسته‌جمعی استفاده شده بود.

بهائیان به احترام کشته‌شدگان و خانواده‌های داغیده آنها از این کار خودداری کردند.

در اوایل هفته گذشته، وقتی بهائیان می‌خواستند یکی از اعضای برجسته جامعه، آقای بهزاد مجیدی را دفن کنند، مأمور وزارت اطلاعات، مسعود مؤمنی، تلاش کرد تا در ازای صدور اجازه دفن او در زمین متعلق به بهائیان مبلغ گزافی دریافت کند. بهائیان بر اساس اصولشان این خواسته را نپذیرفتند زیرا سایر جوامع اقلیت که در همین محوطه زمین‌هایی برای دفن دارند با درخواست پرداخت چنین هزینه‌هایی روبرو نیستند. در واقع این اقدام به معنای منع بهائیان از استفاده از آرامستان خودشان است.

سپس آقای مؤمنی، که در آوریل ۲۰۲۱ مدیریت قبرستان بهائیان را از دست جامعه خارج کرده بود و کارمندان شهرداری تهران وابستگی وی به وزارت اطلاعات را فاش کرده‌اند، آقای مجیدی را بدون اطلاع خانواده و بدون اجرای مراسم کفن و دفن بهائی در محل گور دسته‌جمعی دفن کرد و به این ترتیب خانواده را از فرصت حضور در مراسم دفن عزیزشان محروم ساخت.

حرکت او یک اقدام آشکار علیه بهائیان و نقض حق مالکیت آن‌ها بر زمین و به جا آوردن آداب کفن و دفن بود. آقای مؤمنی همچنین در تلاشی مضاعف برای از بین بردن مالکیت و هویت آرامستان بهائیان، به کارگران آرامستان دستور داده که جدول‌های حائل میان قبرستان بهائیان و این گور دسته‌جمعی را خراب کنند.

خانم فهندژ گفت: «اقدامات غیرانسانی حکومت ایران حد و مرزی ندارد، حتی مرده‌ها نیز مستثنی نیستند. اکنون مقامات در تلاشند تا از یک سو با بی‌احترامی به حق کفن و دفن بهائیان و از سوی دیگر با هتک حرمت محل دفن هزاران نفر دیگر، همزمان عده زیادی را مورد آزار و اذیت قرار دهند. بر مبنای اصول و عقاید، چنین اقداماتی برای بهائیان قابل پذیرش نیست.»

این نمونه از جدیدترین آزار و اذیت جامعه بهائی ایران که سوگواران را مورد هدف قرار می‌دهد در حالی اتفاق می‌افتد که صدها خانواده در سراسر ایران در سوگ از دست دادن شمار زیادی از عزیزان‌شان به سر می‌برند.



پیشینه:

- قبل از انقلاب، جامعه بهائی تهران صاحب آرامستانی زیبا و برازنده به مساحت حدود ۸۰۰۰۰ متر مربع بود. در سال ۱۹۸۰، این آرامستان مرکزی بهائیان در تهران مصادره شد. سپس دولت با برداشتن سنگ قبرها و فروش سنگ‌های ارزشمند، محل دفن بیش از ۱۵ هزار بهائی را با خاک یکسان کرد. در دهه ۱۹۹۰، با نیش قبر اجساد و بار کردن آن‌ها به شکل خفت‌باری در کامیون‌ها، این آرامستان مورد هتک حرمت بیشتری قرار گرفت. بعد از آن بود که زمین را با بولدوزر برای ساخت «فرهنگسرای خاوران» یکدست کردند.
- مدیرعامل سازمان بهشت زهرا (نهاد مدیریتی قبرستان بزرگ خاوران تهران) بعدتر اعلام کرد که قطعه زمینی به مساحت ۲۷۰۰۰ متر مربع که پیش از این جامعه بهائی اقدام به خرید آن به منظور احداث گورستان نموده بود، بدون تسهیلات و به صورت قانونی به این جامعه واگذار شده است. پس از انتقال زمین به جامعه بهائی، بهائیان فداکارانه فضای سبز باز، سردخانه و غسل‌خانه، دیوار اطراف و دروازه‌های ورودی و خروجی را در جاده خاوران توسعه دادند. سایر جوامع اقلیت نیز آرامستان‌های جداگانه‌ای در این محل وسیع‌تر دارند. آرامستان جدید بهائیان در همین مجموعه وسیع‌تر در کنار آرامستان ارامنه و در مجاورت گور دسته‌جمعی قربانیان سیاسی قرار دارد.
- قبرستان خاوران تهران آرامگاه هزاران قربانی سیاسی است که در دهه ۱۹۸۰ توسط جمهوری اسلامی کشته شده و در گورهای دسته‌جمعی دفن شدند.
- تلاش برای دریافت مبالغ گزاف از بهائیان داغدار برای استفاده از آرامستان متعلق به خودشان در تهران و دفن متوفی آن‌ها در گور دسته‌جمعی دهه ۱۹۸۰ تلاشی برای پاک کردن خاطره هزاران قربانی سیاسی و وارد کردن آسیب‌های بیشتر به جامعه ستمدیده بهائیان ایران است.
- دولت ایران از زمان انقلاب اسلامی ۱۹۷۹ تا کنون همواره موانعی در جهت کفن و دفن بهائیان ایجاد کرده و در بعضی موارد به طور کلی از آن ممانعت کرده است.
- در آداب کفن و دفن بهائی با متوفی با وقار و احترام رفتار شده و در هنگام دفن دعای خاصی خوانده می‌شود که هیچ یک از این شرایط در مورد آقای مجیدی رعایت نشد.
- بهائیان از سال ۱۹۷۹ به طور سیستماتیک در ایران مورد آزار و اذیت قرار گرفته‌اند، از جمله با بازداشت خودسرانه، محکومیت به حبس با اتهامات بی‌اساس، محرومیت از تحصیل و امرار معاش، مصادره و تخریب خانه‌هایشان، مورد تهمت و افترا قرار گرفتن از طریق نفرت‌پراکنی و هتک حرمت آرامستان‌هایشان که همه بخشی از کارزار حکومت برای تخریب جامعه بهائی ایران بوده است.

